

A Jurisprudential Explanation of Threat Factors and Security Tools in Society

Mohammad Esmacil Nabatian¹

Received: 26/08/2020

Accepted: 28/11/2020



Abstract

Fiqh (Islamic jurisprudence) by relying on religious texts and reason, and deriving Shariah rulings from them, is in the place of defining and creating a believing society. Among other things, fiqh by counting the threatening factors of this society in the social arena, while condemning the threatening factors and imposing worldly and hereafter punishments on them, infers and presents mechanisms and methods to prevent or deal with these threats. Social security, which is considered under national security in the broad interpretation of security, is based on the protection of the values governing the society and its religious identity against the attack against it. These values determine the objectives of social life and direct people's actions towards them. With regard to the issue of social security (as one of the aspects of the Islamic state's security) and the mission of fiqh, the question arises as to how and from what source or sources the religious society is vulnerable. Moreover, what are the security protection mechanisms of this society? In explaining the problem, social security has been examined based on the three levels of "security of what, against what, and with what tools and mechanisms". In addition to explaining social security, jurisprudential propositions regarding the

1. Assistant Professor, Faculty of Ma'arif and Islamic Thought, University of Tehran, Tehran, Iran. me.nabatian@ut.ac.ir.

* Nabatian, M. E. (1400 AP). A Jurisprudential explanation of threat factors and security tools in society. *Journal of Jurisprudence and Politics*, 2(3), pp. 33-63. DOI:10.22081/ijp.2020.73577

sources and factors of threats to social security (such as oppression, discrimination, warfare, and oppressive government), as well as the ways and mechanisms to deal with them such as Hudud (punishments that under Islamic law are mandated and fixed by God as per Islam) and Ta'azirat (punishments for offenses at the discretion of the judge or ruler of the state), commanding the good and forbidding the bad, hijab, cooperation, the rules of Dar', family, Hesba (public duties) institution, Qada institution, etc. have been extracted and examined. The finding of the present study is to reveal the capability of fiqh in explaining the sources of social security risk and the mechanisms of its protection in the framework of the believing society considered by fiqh.

Keywords

Fiqh, social security, rules of Fiqh, security Fiqh.



تفسير فقهي لعوامل التهديد ووسائل الأمن في المجتمع

محمد اسماعيل نباتيان^١

تاريخ القبول: ٢٠٢٠/١١/٢٨

تاريخ الإستلام: ٢٠٢٠/٠٨/٢٦

الملخص

يهدف علم الفقه إلى تعريف وبناء مجتمع مؤمن بالاعتماد على النصوص الدينية والعقل واستنباط الأحكام الشرعية منها. الفقه من خلال تحديد العوامل التي تهدد المجتمع في المجال الاجتماعي، وإدانة تلك العوامل وفرض العقوبات الدنيوية والأخروية عليها، يستتج ويقدم آليات وطرق الوقاية أو المكافئة مع هذه التهديدات. الأمن الاجتماعي، الذي يتم تخطيطه واعتباره في التفسير الموسع للأمن في إطار الأمن القومي، يقوم على حماية القيم التي تحم المجتمع وهويته الدينية ضد الهجوم عليه. تحدد هذه القيم أهداف الحياة الاجتماعية وتوجه تصرفات الناس نحوها. فيما يتعلق بقضية الأمن الاجتماعي (كبعيد من أبعاد أمن الدولة الإسلامية) ورسالة الفقه، فإن السؤال الذي يطرح نفسه هو كيف ومن أي مصدر أو مصادر يكون المجتمع الديني عرضة للخطر؟ وما هي آليات الحماية الأمنية لهذا المجتمع؟ في شرح المشكلة، تم التحقيق في "الضمان الاجتماعي" على ثلاثة مستويات: "أمن ماذا وضد ماذا وبأية أدوات وآليات". وأثنا شرح أمن المجتمع، تم استخلاص وتحليل التعبيرات الفقهية المتعلقة بمصادر وعوامل تهديدات الأمن الاجتماعي (مثل الظلم، والتمييز، والحرب، والحكومة القمعية)، وكذلك طرق وآليات التعامل معها (مثل الحدود والعقوبات، الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر، والحجاب، والتعاون، وقاعدة الدرء، ومؤسسة الأسرة، ومؤسسة الحسبة، ومؤسسة القضاء، وما إلى ذلك). يتمثل ويحتجى ابتكار هذا المقال في الكشف عن قدرة الفقه في شرح مصادر تهديدات الأمن الاجتماعي وآليات حمايته في إطار المجتمع المؤمن الذي يعتبره الفقه.

الكلمات المفتاحية

الفقه، الأمن الاجتماعي، الأصول الفقهية، فقه الأمن.

alimir124@gmail.com

١. أستاذ جامعة المصطفى العالمية، قم، إيران.

*. نباتيان، محمد اسماعيل. (٢٠٢١م). تفسير فقهي لعوامل التهديد ووسائل الأمن في المجتمع. مجلة متخصصة نصف

DOI:10.22081/ijp.2020.73577

سنوية الفقه والسياسة، ٢(٣)، صص ٣٣-٦٣.

تبیینی فقهی از عوامل تهدید و ابزارهای تأمین امنیت در جامعه

محمداسماعیل نباتیان^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۰۶



چکیده

دانش فقه با تمسک بر نصوص دینی و عقل، و استنباط احکام شرعی از آنها در مقام تعریف و ایجاد جامعه‌ای مؤمنانه است؛ از جمله، فقه با احصاء عوامل تهدیدکننده این جامعه در حوزه اجتماعی، ضمن تقبیح عوامل تهدید و تکلیف عقوبات دنیوی و اخروی بر آنها، سازوکارها و راه‌های پیشگیری یا مقابله با این تهدیدها را استنباط کرده و ارائه می‌کند. امنیت اجتماعی که در تفسیر موسع از امنیت، ذیل امنیت ملی طرح و تلقی شده، بر صیانت از ارزش‌های حاکم بر جامعه و هویت مذهبی آن در برابر تهاجم علیه آن قوام می‌یابد. این ارزش‌ها غایات حیات اجتماعی را تعیین کرده و کنش‌های افراد را به سوی آن هدایت می‌کند. با عنایت به مسئله امنیت اجتماعی (به‌عنوان بُعدی از ابعاد امنیت دولت اسلامی) و رسالت دانش فقه، این پرسش مطرح می‌شود که جامعه مؤمنانه چگونه و از چه منبع یا منابعی مخاطره‌پذیر است؟ و سازوکارهای حفاظت از امنیت این جامعه چیست؟ در تبیین مسئله، امنیت اجتماعی با الهام از سه سطح «امنیت چه چیزی، در برابر چی، و با چه ابزار و سازوکاری» بررسی شده و ضمن تبیین امنیت جامعه، گزاره‌های فقهی ناظر بر منابع و عوامل تهدید امنیت اجتماعی (نظیر ظلم، تبعیض، محاربه و حکومت جائز)، و نیز راه‌ها و سازوکارهای مقابله با آنها (مانند حدود و تعزیرات، امر به معروف و نهی از منکر، حجاب، تعاون، قاعده درء، نهاد خانواده، نهاد حسبه، نهاد قضا و...) استخراج و بررسی شده است. یافته پژوهش حاضر، آشکارسازی توانمندی دانش فقه در تبیین منابع مخاطره امنیت اجتماعی و سازوکارهای صیانت از آن در چارچوب جامعه مؤمنانه مدنظر فقه می‌باشد.

کلیدواژه‌ها

فقه، امنیت اجتماعی، قواعد فقه، فقه امنیت.

me.nabatian@ut.ac.ir

۱. استادیار دانشکده معارف و اندیشه اسلامی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

* نباتیان، محمداسماعیل. (۱۴۰۰). تبیینی فقهی از عوامل تهدید و ابزارهای تأمین امنیت در جامعه. دوفصلنامه علمی - تخصصی فقه و سیاست، ۲(۳)، صص ۳۳-۶۳.

DOI:10.22081/ijp.2020.73577

مقدمه

امنیت اجتماعی (Societal Security) ناظر بر تدارک و تمهید فضا و ابزارهای سلامت افراد جامعه در مقابل اقدامات خشونت‌آمیز و رفع دغدغه‌های ذهنی (احساس عدم امنیت) افراد جامعه است.

در مکاتب جدید امنیت، مفهوم امنیت اجتماعی با دو سطح تحلیل متفاوت مطرح شده است: نخست، امنیت اجتماعی را به مثابه بُعدی از امنیت ملی، که براساس آن، مرجع امنیت، دولت است. از این منظر امنیت اجتماعی ناظر بر تهدید هویتی جوامع در دولت‌های ملی است؛ به عبارت دیگر، امنیت اجتماعی بر صیانت از ارزش‌های سنتی، فرهنگ و هویت مذهبی تأکید دارد (بوزان، مردم، ۱۳۷۸، ص ۳۴). برای مثال زمانی که ارزش‌های اسلامی و نظام باورهای جامعه اسلامی در معرض هجوم فرهنگی غرب قرار می‌گیرد، در واقع نوعی احساس ناامنی اجتماعی شکل می‌گیرد که مرجع این احساس، دولت است و از این رو تهدید امنیت ملی به شمار می‌رود (رک: شیخان، ۱۳۸۸، ص ۱۰۸).

سطح تحلیل دوم، امنیت اجتماعات فروملی یا فراملی به مثابه مرجعی مستقل از دولت طرح می‌شود و از این رو مردم به عنوان مرجع آن شناسایی شده و به مثابه بُعدی از ابعاد امنیت انسانی تلقی می‌شود (بوزان، ویور و دووولد، ۱۳۸۶، ص ۱۸۶).

رویکردی که در این مقاله اتخاذ شده، سطح تحلیل نخست است که امنیت اجتماعی به مثابه بُعدی از ابعاد امنیت ملی تلقی شده و مرجع امنیت در آن، دولت است. براین اساس، امنیت اجتماعی در مقام حفاظت از ملت با برقراری محیطی امن است (نویدینا، ۱۳۸۲، ص ۵۶). به طوری که امنیت اجتماعی و چگونگی و سازوکار استقرار و حفظ آن، از اساسی‌ترین و اصولی‌ترین اهداف نظام‌های سیاسی محسوب می‌شود (رومینا و حسینی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۰).

از سوی دیگر، فقه به عنوان دانشی راهبردی، با ارائه قوانین و احکام ناظر بر روابط فردی و اجتماعی، در مقام تحقق جامعه مؤمنانه و ارزش‌مدار است. این نقش پررنگ و اثرگذار فقه در تاریخ جوامع مسلمان و جهت‌دهی به جامعه به‌روشنی آشکار است.

با عنایت به مسئله امنیت اجتماعی (به عنوان بُعدی از امنیت نظام اسلامی) و رسالت دانش فقه، این پرسش مطرح می‌شود که جامعه مؤمنانه چگونه و از چه منبع یا منابعی مخاطره‌پذیر است؟ و سازوکارهای حفاظت از امنیت این جامعه چیست؟ در توضیح مسئله مقاله می‌توان گفت مسئله امنیت جامعه در قالب سه سؤال یا سطح فرعی قابل طرح است: «امنیت چه چیزی، در برابر چی، و با چه ابزار و سازوکاری؟» مقاله براساس پاسخ به این سه سؤال سامان یافته است.

۱. امنیت جامعه

این قسمت، پاسخی اجمالی به سؤال «امنیت چه چیزی» است. «ویور» امنیت اجتماعی را توانایی جامعه برای حفظ ویژگی‌های اساسی جامعه، و در شرایط تغییر و تهدیدهای واقعی و احتمالی تعریف می‌کند (به نقل از: نویدنیا، ۱۳۸۲، صص ۵۶ و ۶۲). در واقع امنیت اجتماعی توان حفظ و ایمنی و صیانت از الگوها و ارزش‌های سنتی، فرهنگ و هویت مذهبی است که یک تحول یا ترتیبات جدید به عنوان یک تهدید علیه آن (هویت اجتماعی) تلقی می‌شود (بوزان، مردم، ۱۳۷۸، ص ۳۴). محققان زمینه امنیت اجتماعی را ارزش‌های حاکم بر جامعه می‌دانند. ارزش‌ها غایبات زندگی را تعیین و کنش‌های افراد را به سوی آن هدایت می‌کنند. در واقع، نظام ارزشی زیربنای اجتماع تلقی می‌گردد (بشیریه، ۱۳۸۱، صص ۸۵-۸۶) و نهادها، هنجارها و نقش‌های موجود در جامعه در قالب ارزش‌ها تعریف می‌شوند و با ایجاد ضعف یا اشکال در هریک از اینها، ناامنی بر نظم اجتماع مستولی می‌گردد؛ به طوری که غالب اندیشمندان حوزه امنیت، موضوع یا مرجع امنیت اجتماعی را ارزش‌های سنتی جامعه می‌دانند (نصری، ۱۳۹۱، ص ۱۰).

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، در مکاتب امنیتی جدید، مرجع امنیت ملی، حکومت ملت پایه است که واحدهای سیاسی براساس آن شکل گرفته‌اند و حاکمیت سیاسی را در پی دارد. به عبارت دیگر، امنیت ملی به رابطه حکومت با محیط خود برمی‌گردد؛ به طوری که تهدید امنیت ملی معطوف به اجزای گوناگون حکومت است؛ از این‌رو با تهدید امنیت اجتماعی، امنیت نظام ملی نیز دچار آسیب می‌شود.

نکته قابل توجه در اندیشه‌های جدید امنیت، رابطه این‌همانی امنیت اجتماعی با امنیت هویت یک جامعه است. بر این اساس، جامعه هنگامی احساس امنیت می‌کند که هویت و هسته حیاتی آن در معرض مخاطره درونی و بیرونی نباشد (نصری، ۱۳۹۱، ص ۷۰).

نکته شایان ذکر اینکه مقصود از امنیت در جامعه، نوع تلفیقی و جامع امنیت است که در برگیرنده وجوه سلبی و ایجابی امنیت است. به عبارت دیگر، امنیت اطمینان‌بخش جامعه هنگامی تأمین می‌شود که اولاً تهدیدی، موجودیت و هستی جامعه را تهدید نکند و ثانیاً آن جامعه واجد فرصت‌های برابر برای توانمندسازی اعضای خود و کمال یافتن خود داشته باشد. امنیت سلبی سبب صیانت جامعه از خطرات معطوف به موجودیت و بقای جامعه می‌شود و امنیت ایجابی زمینه اعتلا و توانمندسازی جامعه را فراهم می‌کند.

تتبع در ابواب مختلف فقه که متولی ارائه حدود و ثغور و قوانین ناظر بر روابط فردی و اجتماعی یک جامعه مؤمنانه است، مبین اتخاذ رویکرد ایجابی و سلبی در صیانت از امنیت جامعه مؤمنانه است؛ به طوری که ضمن بحث از عوامل تهدید امنیت جامعه، به سازوکارهای سخت و نرم مقابله با تهدیدها و حفظ کیان جامعه در عین ایجاد رضایتمندی می‌پردازد. در این راستا در فقه، عوامل تهدیدکننده ارزش‌های جامعه و فرهنگ دینی و نیز ابزارها و سازوکارهای مقابله با این تهدیدها استنباط و ارائه شده است. فقه تلاش می‌کند انسان در جامعه، در مسیر تقرب به خدا حرکت کند و اساساً انسان مقرب در امنیت کامل است. در این راستا هر عاملی که مسیر حرکت مؤمنانه را تخریب نماید و با تضعیف ارزش‌های دینی، جامعه را به سوی غیر از تقرب به خدا سوق دهد، به عنوان یک تهدید محسوب می‌شود که اسباب تزلزل امنیت جامعه را فراهم می‌کند. از این رو ضرورت دارد با بهره‌گیری از مهارکننده‌های دنیوی و اخروی، با آن مقابله شود یا اساساً زمینه تحقق تهدید از بین برود؛ چراکه جامعه مؤمنانه در پس تطهیر جامعه از فسق و فجور محقق می‌شود.

نکته شایان ذکر اینکه با وجود اختلاف دو مفهوم اجتماع و جامعه (نصری، ۱۳۸۰، ص ۱۱۳)، در اینجا امنیت اجتماعی با امنیت جامعه یکسان تلقی شده است.

۲. گزاره‌های فقهی ناظر بر عوامل تهدید امنیت اجتماعی

در این قسمت به پرسش «امنیت در برابر چی» پرداخته شده است. همان طور که بیان شد، امنیت اجتماعی بر ارزش‌های فرهنگی و دینی مبتنا دارد؛ و در مقابل، در ادبیات قرآنی و فقهی، مفهوم «فسق و فجور» به عنوان ضدارزش، تهدیدکننده امنیت اجتماعی تلقی شده است. این دو مفهوم مترادف بسیاری از بزهکاری‌ها، معاصی، جرایم و جنایات را شامل می‌شود (عبدالرحمان، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۲۹) فسق به طور کلی دو نوع است: فسق در اعتقاد (بدعت کفرآمیز مانند تکذیب قرآن و بدعت بدون کفر مانند خوارج) - (بقره، ۲۶) و فسق در عمل (فسق کفرآمیز مانند حلال شمردن حرام خدا و بدون کفرآمیز مانند ارتکاب معاصی همچون زنا، قتل، لواط، شرب خمر، قذف، تهمت، غیبت، غضب، ربا و دروغ)، (الحریری، ۱۴۲۲ق، صص ۵۸-۵۹) براساس آیات شریفه، فرجام فسق بسیار وخیم است، چه در دنیا مثل تسلط اشار، حیرت و اضطراب، و چه در آخرت مانند عذاب روز قیامت و یا هر دو عقوبت. بنابراین فسق یک عامل ناامنی در جامعه است؛ ازاین رو در فقه برای تأمین امنیت جامعه، برای برخی از فسوق، عقوبت‌های سختی وضع شده است. البته در فقه بیشتر فسق در عمل مراد است؛ گرچه از فسق در اعتقاد مانند ارتداد نیز بحث می‌شود.

با عنایت به اتخاذ رویکرد سیاسی در تبیین فقهی امنیت اجتماعی، از بحث درباره برخی از عوامل تهدید امنیت اجتماعی که تبلور سیاسی چندانی ندارند، اجتناب کرده‌ایم؛ از جمله محرمات جنسی نظیر احکام مربوط به زنا، لواط و سحاق، قذف و قوادی؛ و همچنین محرمات زبانی مانند دروغ، غیبت و تهمت. البته براساس رویکرد فقهی، ابتلای جامعه به کبائر و معاصی نظیر زنا، لواط و سحاق، قوادی، قذف، دروغ، غیبت و تهمت، زمینه تعارض و ستیز میان آحاد جامعه را افزایش می‌دهد و در مقابل، وفاق اجتماعی دچار تزلزل می‌کند. افزایش این تعارض‌ها و ستیزها و کاهش وفاق اجتماعی اسباب ناامنی اجتماعی را فراهم می‌سازد؛ ازاین رو حکم حرمت و مقابله شدید با آنها تکلیف شده و عقوبات اخروی سختی بر مرتکبان آنها وعده داده شده است.

در اینجا به تشریح عوامل مهم ناامنی در جامعه می‌پردازیم.

۲-۱. ظلم

ظلم قراردادان شیء در غیر موضع مختص خود است (سعدی، ۱۴۰۸ق، ص ۲۳۸). شریف مرتضی در تعریف ظلم می‌نویسد: «الظلم کل ضرر لیس بمستحقّ و لا نفع فیہ و لا دفع ضرر أعظم منه معلوم أو مظنون، و لا یفعل علی مجری العادة و لا علی جهة الدفع عن النفس (شریف مرتضی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۲۷۶)؛ ظلم به هر ضرری که مستحق نیست گفته می‌شود که در آن نفعی وجود ندارد، دفع ضررِ بزرگتر که معلوم یا گمان می‌رود، نیست، همچنین معمولاً انجام نمی‌شود و نیز با هدف دفع ضرر از نفس و جان نمی‌باشد».

قیح ظلم از احکام فطری بشری است و آیات (بقره، ۵۹، ۱۲۴ و ۱۵۶؛ آل عمران، ۱۱۷ و ۱۳۵؛ نساء، ۱۰ و ۳۰ و ۱۶۰؛ مائده، ۱۶۰؛ یونس، ۱۳؛ کهف، ۵۹) و روایات (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۴، ص ۲۳؛ مازندرانی، ۱۳۸۲، ج ۹، ص ۳۵۸؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ص ۷۱۷) متعددی بر قیح ظلم دلالت می‌کنند؛ حتی ظلم یکی از موانع نیل به مقام امامت قلمداد شده است (بقره، ۱۲۴) این آیه شریفه دلالت دارد بر اینکه شخص ستمگر به رهبری مردم که عهد خداوند است گماشته نمی‌شود و اطلاق آیه، عدم صحت ایجاد حکومت ظلم و هم عدم صحت تداوم آن را شامل می‌شود (منتظری، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۳۹۰). خداوند در قرآن به کزّات نفی ظلم و تجاوز به حقوق فردی و عمومی را بیان کرده است و آن را از علل هلاکت و نابودی اقوام و ملت‌ها خوانده است (یونس، ۱۳؛ کهف، ۵۹؛ هود، ۱۱۳).

رسول خدا ﷺ نیز ظلم را عامل ناپایداری و زوال حکومت می‌شمارد: «الحکم ببقی مع الکفر ولا یبقی مع الظلم». (مازندرانی، ۱۳۸۲، ج ۹، ص ۲۸۵) نقش تخریبی ظلم در جامعه حتی در اندازه آماده کردن ليقه و دوات و تراش مداد ظالم نیز، عقابی سخت دارد: «إذا کان یوم القیامة نادى مناد: أین أعوان الظلمة، و من لاق لهم دواة، أو ربط لهم کیساً، أو مدّ لهم مدّة قلم، فاحشروهم معهم» (سید بن طاووس، ۱۴۱۵ق، ص ۲۶۰؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۱۸۰) اساساً ظلم عامل هلاکت جوامع است؛ چراکه در ارتکاب آن، حقوق آحاد جامعه

تضعیف می‌شود و ارزش‌های فطری و الهی جامعه لگد کوب می‌گردد و روابط میان انسان‌ها در مسیر ناامن و خشونت‌آمیز قوام می‌گیرد.

۲-۲. تبعیض

تبعیض به عنوان یک محرم شرعی، از چنان نقشی در افساد در جامعه برخوردار است که برخی فقها آن را یک قاعده فقهی تلقی کرده‌اند (شریعی، ۱۳۸۷، صص ۱۵۵-۱۵۶) رسول خدا ﷺ در حجة الوداع بر نفی تبعیض و برابری انسان‌ها تأکید فرمودند (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۷۳، ص ۳۵۰).

مراد از عدم تبعیض، تساوی در برابر قانون، مساوات در مقابل محاکم قضایی و همچنین مساوات در برخورداری از حقوق و امتیازات مالی و غیرمالی دولتی است (منتظری، ۱۴۱۷ق، ص ۲۶۸) تبعیض میان آحاد جامعه، زمینه‌ساز ناامنی روانی و اجتماعی و سلب اعتماد عمومی و بی‌اعتمادی میان نهادهای جامعه و گروه‌های اجتماعی می‌شود که در فروپاشی امنیت اجتماعی تبلور می‌یابد.

۲-۳. محاربه

محارب کسی است که سلاح را برای ترساندن مردم، در شهر یا غیر شهر و شب یا روز و... برکشد: «المحارب کلّ من جرّد السلاح لإخافة الناس، فی برّ أو بحرٍ، لیلًا [کان] أو نهارًا، فی مصرٍ و غیره». (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۱۸۵) صاحب جواهر محاربه را حتی با اقدام علیه یک نفر، خواه مسلمان باشد یا غیرمسلمان، در دارالاسلام باشد یا غیر آن، نیز محقق می‌داند: «المحارب کل من جرّد السلاح أو حملة لإخافة الناس و لو واحدٍ. لو احد علی وجه یتحقق به صدق إرادة الفساد فی الأرض... و معقد الإجماع تحقیقه یاخافة کل من یحرم علیه إخافته من الناس من غیر فرق بین المسلم و غیره و فی بلاد الإسلام و غیرها (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۱، ص ۵۶۴)؛ محارب کسی است که سلاح خود را برای ترساندن مردم بیرون بکشد یا آن را حمل نماید هر چند یک نفر باشد. اگر محارب یک نفر باشد در صورت صدق اراده فساد بر زمین، بر او محارب اطلاق می‌شود... اجماع فقها براین

است که در صورتی محاربه تحقق می‌یابد که موجب ترس هرکسی که حرام باشد ترساندنش، خواه مسلمان باشد یا غیرمسلمان، در دارالاسلام باشد یا غیر آن». امام خمینی علاوه بر ترساندن مردم، تجهیز جهت ترساندن را نیز معیار محاربه قلمداد کرده است: «المحارب هو كل من جرّد سلاحه أو جهّزه لإخافه الناس و إرادته الإفساد في الأرض» (امام خمینی، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۴۹۲).

بنابراین ملاک در محاربه، ایجاد رعب و وحشت در مردم و افساد در زمین با کشیدن سلاح سرد یا گرم است؛ به عبارتی، ایجاد ناامنی در جامعه است. به همین دلیل، چهار حدّ و کیفر سخت برای محارب وضع شده است: قتل، به صلیب کشیدن، بریدن دست و پا به طور عکس (مراد انگشتان دست و پاست) و تبعید، که فقها با استناد به نصّ آیه ۳۳ سوره مائده چنین حکمی داده‌اند: «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ».

آیت‌الله موسوی اردبیلی در تطبیق محاربه بر امنیت عمومی و تعمیم مصادیق آن می‌نویسد: «اخلال در امنیت عمومی تنها از طریق برکشیدن سلاح نیست، بلکه فتنه‌انگیزی و ایجاد تفرقه، پراکندگی و دشمنی در بین مردم نیز مصداق آن است. بنابراین هر چه موجب از بین رفتن نظم اجتماع و امنیت مردم شود، مشمول حکم آیه شریفه است. پس باید آشکارا گفت که اخلال در نظم و امنیت جامعه مصداق محاربه است، چه این عمل به قصد براندازی نظام سیاسی صورت گرفته باشد و چه به قصد دیگری» (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۷۸۷).

شدت عقوبت، کیفر و حدّ محارب (قتل، به صلیب کشیدن، بریدن دست و پا به طور عکس و تبعید) که در میان معاصی کم‌نظیر است، مبین نقش تخریبی و تهدیدی عمیق محاربه به عنوان یک تهدید امنیت اجتماعی و به تبع، امنیت دولت اسلامی است.

۲-۴. حکومت جائر

کارویژه اساسی حکومت‌ها حفظ امنیت است؛ اما با این حال، حکومت‌ها می‌توانند

خود یکی از عوامل تهدید امنیتی اجتماعی ظاهر شوند که با دست‌اندازی به جان و مال مردم، محیط ناامنی را برای آحاد جامعه رقم زنند. حکومت جائر مصداق بارز تهدید امنیتی اجتماعی به شمار می‌رود. فقها حکومتی را جائر قلمداد کرده‌اند که مأذون از امام معصوم نباشد (موسوی خلیلی، ۱۴۲۲ق، ص ۲۰۲) و این گونه حکومت‌ها برای تحکیم پایه‌های نظام خود، به تجویز و تعمیق ارزش‌های متناسب با نظام جور اقدام می‌کنند، (ماندل، ۱۳۷۷، صص ۱۴۸-۱۴۹؛ بوزان، ۱۳۷۸، ص ۱۴۷) که اسباب ناامنی را در جامعه موجب می‌شوند. حکومت جائر با اتکای بر ثروت و قدرت فوق‌العاده، جامعه را در طریق امیال خود سوق می‌دهد. آیت‌الله نائینی این وضعیت ناامن‌کننده حکومت جائر به شیوایی ترسیم کرده است: «مملکت را بمافیها مال خود انگارد و اهلش را مانند عیب و اِماء، بلکه اغنام و احشام، برای مرادات و درک شهواتش مسخر و مخلوق پندارد... هر که را منافی یافت، از مملکت که ملک شخصی خودش پنداشته، تبعیدش نماید و یا اعدام و قطعه‌قطعه به خورد سگانش دهد و یا گرگان خونخواره را به ریختن خونس ته‌ریش و به نهب و غارت اموالش، و ادارشان نماید و هر مالی را که خواهد، از صاحبش انتزاع و یا به چپاول چپان اطرافیش بخشد» (نائینی، ۱۳۹۳، صص ۴۱-۴۲).

نکته شایان ذکر اینکه بین میزان قدرت تهدید و پیامدهای آن بر جامعه، ملازمه وجود دارد؛ از این رو حکومت جائر به علت برخوردارگی از قدرت فائقه در جامعه، می‌تواند نقش مؤثرتری در تخریب ارزش‌ها و ناامنی اجتماعی داشته باشد.

۳. گزاره‌های فقهی ناظر بر ابزارها و سازوکارهای تأمین امنیت اجتماعی

یک پرسش اساسی در مسئله امنیت جامعه، ابزارها و سازوکارهای تأمین آن است. این ابزارها را می‌توان در سه سطح دسته‌بندی کرد: ابزارهای مقابله با ناامنی، ابزارهای پیشگیری از وقوع ناامنی که در آن نظام اجتماعی به صورت فعال (Active) ورود می‌کند، و ابزارهای فراقعال (Proactive) که با عبور از رویکرد سلبی، امنیت از نوع ایجابی و ایجاد رضایتمندی در جامعه را محقق می‌سازد که در آن، نهادهای سیاستگذار و برنامه‌ریز نقش تعیین‌کننده دارند.

تتبع در ابواب مختلف فقه، دستیابی به ابزارها و سازوکارهای متعدد در سه سطح فوق را رهنمون می‌شود. سازوکارهای استخراج شده غالباً ظرفیت نقش آفرینی در بیش از یک سطح را دارند؛ اما به دلیل کمی مجال، براساس نقش غالب هر یک از سازوکارها، ذیل یکی از سه سطح توضیح داده شده‌اند.

۳-۱. سازوکارها و ابزارهای مقابله با ناامنی اجتماعی

۱-۳-۱. حدود و تعزیرات

از مباحث فقهی مهمی که نقش مؤثری در مقابله با عوامل و زمینه‌های ناامنی در جامعه دارد، حدود و تعزیرات است؛ البته اقامه حدود و تعزیرات در بازدارندگی نیز اثرگذار است. به دلیل اهمیت حدود و تعزیرات در حیات اجتماعی، غالب فقهای متقدم تا معاصر به این مبحث مستوفاً پرداخته‌اند. حدود عقوبت خاصی است که شارع به میزان معینی برای تعذیب مرتکب معصیت خاصی وضع کرده است و تعزیر به عقوبت یا اهانتی اطلاق می‌شود که شرع مقدار و کمیتی را برایش تعیین نکرده است (شهیدثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۴، ص ۳۲۵؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۱، ص ۲۵۴) در قرآن نیز به واژه حدود تصریح شده است (بقره، ۱۸۷ و ۲۲۹).

اداره جامعه، حفظ نظام‌های اجتماعی، تأمین امنیت جامعه، رعایت حقوق مردم و اقامه قسط و عدل مستلزم وضع مقررات و معین کردن حدود و ثغور آزادی‌ها و تنبیه متخلفان و مجازات مجرمان است تا مردم بتوانند از قبیل مال، جان و آبروی خودشان در امنیت باشند: «لا شك فی أنّ إدارة المجتمع و حفظ النظام و رعاية حقوق الناس و إقامة القسط و العدل، تتوقف علی وضع المقررات و تحديد الحرّیات، و علی تأديب المتخلفین و مجازاة المجرمین، حتّی يعيش الناس مطمئنّین علی أموالهم و أنفسهم و أعراضهم» (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، صص ۴ و ۵) شارع مجازات، از جمله حدود و تعزیرات را برای بازداشتن از ارتکاب منکرات و ترک اوامر الهی وضع نموده است (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۴).

اسباب اعمال حدود، پنج عمل مجرمانه زنا، قذف، شرب خمر، سرقت و راهزنی

است و اسباب اعمال تعزیر چهار عمل محرم بغی، ارتداد، مقاربت با حیوان و ارتکاب محرمی که است حدی برایش تعیین نشده است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۱، ص ۲۵۵).

اقامه حدود و تعزیرات از سازوکارهای بازدارنده و پیشگیری کننده از ناامنی اجتماعی است که رفتارها و هواها و غرایز انسانی را در جهت مصالح عمومی دنیوی و اخروی کنترل و مهار می کند.

۱-۳-۲. نهاد قضا

نهاد قضا ضامن اجرای قوانین و صیانت از حقوق آحاد جامعه است. «ان منصب القضاء من المناصب المهمة في الدولة و النظام العالمي...؛ إذ عليه تبنى سلامتها و استقرار العدل فيها و حفظ الحقوق و الحرم؛ (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۳؛ منتظری، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۲۲۷)

منصب قضا از مناصب مهم در دولت و نظام دنیا است...؛ زیرا سلامت این جوامع و استقرار عدالت در آنها و حفظ حقوق و محرمات بر امر قضا استوار است».

نکته مهم اینکه ملاک و مبنای اساسی تکوین نهاد قضا در جامعه اسلامی، اقامه عدل است که در آیات (نساء؛ ۲۶؛ ص، ۵۸) و روایات (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۲۹۲؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۸، ص ۷) به روشنی انعکاس یافته است. فقهای شیعه نظیر شیخ طوسی، شهیدثانی و (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۵) قضاوت را واجب کفایی دانسته اند و حتی برخی فقیهان تحت شرایطی، آن را واجب عینی استنباط کرده اند: «القضاء من فروض الکفایات، تماماً کالجهاد و الأمر بالمعروف و نصرة المظلوم،... و قد یصیر القضاء واجباً عینياً بالعرض، كما لو لم یوجد أهلٌ للقضاء سواه، و دعت إليه الحاجة (مغنیه، ۱۴۲۱ق، ج ۶، ص ۶۱)؛ قضا و جوب کفایی است مثل جهاد و امر به معروف و یاری مظلوم؛... قضا در شرایطی واجب عینی بالعرض می شود، در صورتی که کسی که اهلیت قضا نداشته باشد و نیاز به آن سوق دهد». در استدلال بر وجوب قضا به عدم رضایت شارع بر خدشه دار شدن حفظ نظام و سد ابواب ظلم و معاصی استناد شده است: «ولعلّ خیر ما یستدلّ به علی ذلك توقّف ما نقطع بعدم رضا الشارع بفوته علیه من حفظ النظام، و سدّ أبواب الظلم و المعاصی» (حسینی حائری، ۱۴۲۰ق، ص ۶).

نکته شایان ذکر اینکه سلامت و اقتدار نهاد قضا مستلزم استقلال قاضی و اقتدار سیاسی و اقتصادی اوست: «أن سلامة أمر القضاء وقوته لا يحصل إلا باستقلال القاضی وقوته فی السياسة و الإقتصاد حتى لا یطمع أحدٌ فی إجباره و إخضاعه أو استمالته و إطماعه» (منتظری، ۱۴۱۷ق، ص ۲۶۷).

تأمل در باب القضاء آثار فقهی بیانگر اهمیت امنیت جامعه است که با اقتدار نهاد قضا این امنیت در ابعاد سلبی و ایجابی تأمین می‌گردد. نقش نهاد قضا هم مقابله با تهدیدهای امنیت اجتماعی است و هم پیشگیری از آن.

۱-۳-۳. نهاد حکومت

حکومت مهم‌ترین نهاد در جامعه است که از کارویژه‌های اصلی آن تأمین امنیت می‌باشد. غالب نهادهایی که پیش‌تر بدان اشاره شد، در سایه نهاد حکومت امکان عمل و ضمانت اجرا پیدا می‌کنند. «إنّ الحكومة الإسلامية لما كانت حكومة قانونية، بل حكومة القانون الإلهی فقط، و إنّما جعلت لأجل إجراء القانون، و بسط العدالة الإلهية بین الناس، لا بدّ فی الوالی من صفتین، هما أساس الحكومة القانونية، و لا یعقل تحقّقها إلاّ بهما إحداهما العلم بالقانون، و ثانیتهما العدالة (امام خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۶۲۳)؛ حکومت اسلامی حکومت قانونی است، بلکه حکومت قانون الهی است که به منظور اجرای قانون الهی و بسط عدالت الهی میان مردم وضع شده است؛ لذا باید حاکم دارای دو صفت باشد که این دو صفت اساس حکومت قانونی است و بدون آنها این حکومت تحقق پیدا نخواهد کرد: یکی علم به قانون است و دیگری عدالت می‌باشد».

همان‌طور که در دیدگاه امام خمینی بیان شد، حکومت قانونی و عادل نقش ایجابی در صیانت از ارزش‌های الهی در جامعه و تأمین امنیت اجتماعی دارد؛ و در مقابل، حکومت جائز نقش تخریبی در امنیت اجتماعی و استحاله ارزش‌های الهی و دینی دارد. با توجه به شأن و جایگاه سیاسی و اجتماعی فقیه به نیابت از امام معصوم (نراقی، ۱۴۱۷ق، ص ۵۳۹؛ بحر العلوم، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۲۲۲؛ امام خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۶۵۳)، حکومت عادل و قانونی تحت زعامت فقیه، مأمور و مسئول حفاظت از ارزش‌های الهی، حفظ هویت دینی

جامعه و تأمین امنیت اجتماعی است (لک‌زایی، ۱۳۹۰، صص ۶۲-۶۸).

نکته شایان ذکر اینکه نهاد حکومت، ضمن اینکه در سطح مقابله با عوامل ناامنی اجتماعی نقش برجسته‌ای دارد، در سطوح پیشگیری و نیز سیاست‌گذاری در حوزه امنیت اجتماعی نیز نقش اصلی و هدایتگر را دارد.

۲-۳. سازوکارها و ابزارهای پیشگیری از وقوع ناامنی در جامعه

۱-۲-۳. امر به معروف و نهی از منکر (نظارت همگانی)

یکی از احکام مورد اهتمام در فقه، نظارت عمومی و همگانی مسلمین بر اجرای احکام، رفتار حکام و صیانت از ارزش‌های جامعه است که از آن به امر به معروف و نهی از منکر تعبیر شده است. در آیات (آل‌عمران، ۱۰۴؛ توبه، ۷۱) و روایات (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۹، ص ۴۹۶؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۳۹۸ و ج ۱۶، صص ۱۱۸ و ۱۱۹؛ منتظری، ۱۴۰۹ق، ص ۱۲۳؛ جوادی آملی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۶۴؛ حسینی تهرانی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۲۵) تأکیدات بسیاری بر اجرای امر به معروف و نهی از منکر شده است. عواقب و تبعات اجتماعی و سیاسی ترک امر به معروف و نهی از منکر بر جامعه چنان مهلک و ویرانگر است که فضیلت آن را حتی نسبت به جهاد در راه خدا بسیار بالا می‌برند و ترک آن را موجب تهدیدات امنیتی شدیدی همچو غلبه اشرار می‌دانند: «ای مسلمانان! امر به معروف و نهی از منکر را ترک و فراموش نکنید که در آن صورت اشرار بر شما مسلط می‌شوند» (سیدرضی، ۱۳۶۹، نامه ۴۷).

همچنین امام صادق علیه السلام در تأثیرگذاری امر به معروف و نهی از منکر بر روند امور جامعه می‌فرماید: «إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ هُنَالِكَ يَتِمُّ غَضَبُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِمْ فَيَعْمَهُمْ بِعِقَابِهِ فَيَهْلِكُ الْأَبْرَارُ فِي دَارِ الْأَشْرَارِ وَالصَّغَارُ فِي دَارِ الْكِبَارِ إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ وَمِنْهَا جُ الْصُّلْحَاءِ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ وَتَأْمَنُ الْمَذَاهِبُ وَتَحُلُّ الْمَكَاسِبُ وَتُرَدُّ الْمَظَالِمُ وَتُعْمَرُ الْأَرْضُ وَ يَنْتَصِفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَ يَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ الْحَدِيثُ؛ (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۱۱۹) همانا امر به معروف و نهی از منکر راه انبیا و طریقه صالحین است، فریضه

بسیار بزرگی که با آن فرائض اقامه می‌گردد، و مذاهب [مشرک‌های گوناگون فکری یا راه‌ها و محل رفت و آمد مردم] امنیت می‌یابد، و کسب و کار حلال می‌گردد، و حق ستمدیدگان به آنان بازگردانده می‌شود، و زمین آباد می‌گردد، و از دشمنان انتقام گرفته می‌شود، و امور به صلاح می‌گراید».

شایان ذکر است که با وجود ادعای اجماع فقها بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر، (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ص ۳۵۸) در مبنای عقلی (شهیدثانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۶۲) یا شرعی بودن (سیوری حلی، بی تا، ج ۱، ص ۴۰۴) و نیز عینی (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ص ۱۳۹؛ شیخ بهائی، ۱۴۲۹ق، ص ۱۶۱) یا کفایی بودن وجوب (امام خمینی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۴۶۳) آن اختلاف نظر دارند. امر به معروف و نهی از منکر به خصوص وقتی عموم مسلمین به آن اقدام کنند، بسیاری از مصائب و معاصی و مشقات از جامعه رخ برمی‌بندد، مذاهب و مشرب‌های گوناگون فکری امنیت می‌یابد، حق ستمدیدگان به آنان بازگردانده می‌شود و امور به صلاح می‌گراید. این زمینه حصول امنیت اجتماعی است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۱۱۹) در مقابل، اگر مسلمانان این فریضه الهی ترک کنند، ناامنی بر جامعه حاکم می‌شود که نمود آن حکومت‌اشرار است (سیدرضی، ۱۳۶۹، نامه ۴۷)

۳-۲-۲. حجاب

در مباحث فقهی با دو واژه «حجاب» و «ساتر» مواجه می‌شویم. ساتر به معنای «پوشش» است و حجاب به دو معنای «پوشش» و «پوشیدن» به کار رفته است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۵۰). نگاهی به آثار و آرای فقهی در خصوص حجاب، بیانگر آن است که فقها هیچ اختلافی در اصل وجوب حجاب برای بانوان در برابر نامحرم ندارند و برخی فقها این حکم را مورد اجماع همه علمای اسلام دانسته‌اند (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۴۴۸) صاحب جواهر با بیان ادله فراوان بر وجوب پوشش و حرمت نگریستن به آن، معتقد است: «الحاصل ما دلّ علی وجوب الستر و حرمة النظر أكثر من أن یحصی (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳)؛ نتیجه اینکه ادله‌ای که بر وجوب پوشش و حرمت نگاه (مرد به زن) دلالت می‌کند بیش از آن است که قابل شمارش باشد». با وجود اجماع در مورد اصل حجاب

زن در برابر نامحرم، در مقدار پوشش واجب، میان فقها اختلاف نظر هست (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۱۶۰؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۲۶۹؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۹، ص ۷۷).

نکته شایان توجه اینکه بین حرمت نگاه با وجوب پوشش ملازمه وجود دارد؛ یعنی هر جا به مرد اجازه نگاه داده شده، بر زن پوشاندن آن واجب نیست (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۹، ص ۷۵؛ کلاتری، ۱۳۸۷، ص ۲۹) به همین دلیل در مباحث متعدد فقهی، نگاه به نامحرم و پوشش زن در قالب یک بحث مورد توجه قرار گرفته است. اجماع فقها معتقدند مرد نامحرم به بدن و زینت‌های زن بیگانه نباید نگاه نکند مگر به ضرورت، بلکه این ضروری مذهب و دین اسلام است؛ البته برخی قائل اند که جایز است مرد نامحرم به صورت و دو کف زن بیگانه نگاه کند بدون لذت و ترس از وقوع در ریبه و وسوسه». محقق حلی نگاه به نامحرم را اصلاً جایز نمی‌داند مگر از باب ضرورت (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۲۱۳) حتی فخرالمحققین در این خصوص ادعای اجماع بین مسلمانان کرده است (فخرالمحققین، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۷) و صاحب جواهر آن را از ضروریات مذهب و بلکه دین خوانده است و بر حرمت نگاه به نامحرم ادعای اجماع بین امامیه کرده است: «و لا ينظر الی جسد الأجنبية و محاسنها أصلاً إلا لضرورة إجماعاً، بل ضرورة من المذهب و الدین، نعم یجوز عند جماعة أن ينظر الی وجهها و کفیها من دون تلذذ و لا خوف ریبه أو افتنان (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۹، ص ۷۵)؛ اجماع میان امامیه است که به بدن زن اجنبی و زیبایی‌های او به طور مطلق نباید نگاه کرد مگر ضرورتی آن را اقتضا کند، بلکه این اجتناب از نگاه از ضروریات مذهب و دین به حساب می‌آید؛ البته گروهی معتقدند نگاه به صورت و دستان زن اجنبی بدون قصد لذت و بدون اینکه ترس از ریبه و شیفته و مفتون شدن باشد، جایز است».

نکته قابل ذکر اینکه همان طور که نگاه مرد به زن تحت شرایطی حرام است، نگاه زن به مرد نیز به جز صورت و دست‌های او حرمت دارد: «کذا الحکم فی نظر المرأة الی الرجل، و أنه غیر جائز إلا الی وجهه و کفیه» (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۹، ص ۸۱).

شایان ذکر است که اساساً رویکرد فقها به حکم تحریم نگاه و وجوب حجاب، رویکردی پیشگیرانه است تا امنیت زن و مرد و خانواده و اجتماع فراهم گردد. صاحب

جواهر در این باره پس از ذکر روایتی نبوی (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۴۰)، علت حرمت نگاه به نامحرم را ایجاد مصونیت در برابر زنا و مفتون و شیفته زن نامحرم شدن دانسته است: «البعد عن الوقوع فی الزنا و الافتتان و نحوهما المعلوم من الشارع إرادة عدمهما، و لذا حرّم ما یحتمل ایصاله إلیهما من النظر و نحوه» (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۹، ص ۷۵) همچنین شواهد جامعه‌شناختی و تحقیقات میدانی مبین نقش پررنگ حجاب در امنیت زنان در جامعه و عامل بازدارنده در تعرّض به زنان می‌باشد (فاضلیان، ۱۳۸۹، صص ۶۲، ۶۵، ۶۶ و ۶۷).

۳-۲-۳. نهاد خانواده

حفظ خانواده از اصول بنیادین تعالیم دینی است (شهیداول، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۸) و تحریم کبائری چون نگاه به نامحرم، زنا، لواط، قوادی و قذف در راستای حفظ کیان خانواده به عنوان کانون اصلی تربیت و حفظ ارزش‌های اجتماعی است (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۴۵۲) به طوری که شدیدترین عقوبات (رجم) برای زنا محصنه است که از اسباب تزلزل نهاد خانواده به شمار می‌رود (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۱، صص ۳۰۹-۳۲۳؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۱۴۳؛ موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۴۵۲).

خانواده هسته اصلی اجتماع و زمینه انتقال ارزش‌های جامعه به افراد است که در صورت انجام درست این رسالت در خانواده، امنیت جامعه در برابر تهدیدها ارتقا می‌یابد و در صورت، تزلزل خانواده، امنیت اجتماعی نیز دچار آسیب می‌شود.

۳-۲-۴. نهاد حسبه

امور حسبیه، اعم است از واجبات و مستحبات کفائیه است؛ از قبیل جهاد، دفاع، امر به معروف، اجرای حدود، فتوا، قضا، شهادت، استشهاد (شاهد گرفتن)، نگهداری گم شده - اعم از انسان و غیره - نگهداری اموال قاصرین (یتیم، مجنون، سفیه)، نگهداری اموال غایبین، نجات افراد از هلاکت، کفن و دفن مردگان، کمک به مستمندان (امام خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۶۵۶؛ موسوی خلخالی، ۱۴۲۲ق، ص ۵۰۹) شیخ انصاری در تعریف امور حسبیه می‌نویسد: «الامور التي یكون مشروعیة ایجادها فی الخارج مفروغاً عنها بحیث لو

فرض عدم الفقيه كان على الناس القيام بالكفاية (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۷۰)؛ اموری که تحقق آنها در خارج مفروغ عنه تلقی شده است به طوری که اگر فقیه نباشد بر مردم واجب کفایی به انجام دهند.

علامه شعرانی با احصای امور حسییه ذیل امر به معروف، به نقل از ماوردی می نویسد: «حسبه واسطه است بین قضا و مظالم. قضا در زمان ما کار عدلیه است و مظالم از وظائف نظمیه، و حسبه غالباً راجع به شهرداری (بلدیه)» (شعرانی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۲۶).

برخی از فقها نظیر شهید اول (شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۲، صص ۴۷-۵۱)، کاشف الغطا (کاشف الغطا، ۱۴۱۱ق، ص ۱۶۸)، فیض کاشانی (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۵، ص ۲۵) و مطهری (مطهری، ۱۳۸۳، ج ۲۱، ص ۱۹۲)، حسبه را در دایره ولایت بر امر به معروف و نهی از منکر تعریف کرده اند؛ البته در آثار فقهای متأخر شیعه (از شیخ انصاری به بعد) اصطلاح حسبه و امور حسییه در مفهومی غیر از امر به معروف، و به معنای اموری به کار رفته که شارع مقدس هرگز راضی به ترک آنها نیست: «حسبه به معنای قربت است و مراد از آن تقرّب جستن به خداوند متعال است. مورد حسبه هر کار نیکی است که می دانیم شرعاً وجود آن در خارج خواسته شده است، بدون اینکه انجام دهنده ویژه ای داشته باشد» (بحرالعلوم، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۲۹۰).

با وجود تفاوت در تبیین حسبه، نقطه مشترک آنها، نقش نظارتی بر امور جامعه و کارگزاران و نیز اعمال و صیانت از ارزش های اسلامی در جامعه است که زمینه بسیاری از تهدیدهای امنیت اجتماعی را از بین می برد (صرامی، ۱۳۷۷، صص ۵-۷).

۳-۳. ابزارهای فرافعال در تأمین امنیت اجتماعی

۳-۳-۱. تعاون؛ نهادسازی بر محور نیکووری

تعاون از مفاهیم قرآنی است. «معنای تعاون بر برّ و تقوا به اجتماع ایمان و عمل صالحی که براساس تقوا شکل گرفته باشد برمی گردد» (طباطبایی، ۱۳۹۴، ج ۵، ص ۱۶۳). درباره تقوای جمعی نیز برخی آن را مصداق اعلاّی قاعده تعاون دانسته اند (شریعتی، ۱۳۸۷، ص ۲۹۰).

به تعبیر یکی از فقها تعاون نمود سلامت جامعه است: «بدلّ قوله تعالی «تعاونوا علی البرّ و التقوی» علی أنّ المجتمع الصالح إذا كان بین افراده التعاون و الحضّر أن يكون ذلك علی البرّ و التقوی... تبیین الآیة الکریمة نظریة الإسلام فی المجتمع فإنّه یرى أنّه لابد أن يكون إعداده أعداداً صالحاً يتحمل أفراده المسئولية فی تنظیمه و مراقبته. لثلا یرج عن المسیر الصحیح الذی أمر به الله سبحانه و تعالی، فیکون المراد من التقوی فی المقام التقوی الجمعی و الشعور بالمسئولية و مراقبة جمیع أفراد المجتمع بالتعاون بینهم علی البرّ، و نبد کل ما یكون مانعاً عن الوصول إلی الهدف المنشود (سیزواری، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۷۰). قول خداوند «تعاونوا علی البرّ و التقوی» بر جامعه صالح و سالم دلالت می کند؛ جامعه ای صالح و سالم است که بین افراد آن تعاون و همیاری در نیکی و تقوا باشد... این آیه کریمه نظریه اسلام درباره جامعه را تبیین می کند که اسلام معتقد است باید نهادها و ساختار جامعه سالم باشد تا افرادش مسئولیت سازماندهی و مراقبت جامعه را برعهده گیرند. تا جامعه از مسیر سالم و صحیح که خداوند به آن امر کرده خارج نشود. بنابراین مراد از تقوا در آیه تقوای جمعی و آگاهی مسئولیت پذیری و مراقبت همه افراد جامعه بر تعاون بر برّ و دور کردن هر آنچه که مانع رسیدن به هدف مورد نظر است».

در واقع «انسان ذاتاً موجودی اجتماعی و مدنی است و سرشت او با مدنیت در آمیخته است و نیازهای او جز در سایه تعاون و همیاری و زندگی اجتماعی برطرف نمی شود» (منتظری، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۸۳) به عبارت دیگر، ارزش و اعتبار جامعه انسانی به میزان تعاون و تکافل و مؤسسات آن است (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۸، ص ۲۳۷) امام علی علیه السلام تعاون را ملاک دینداری معرفی کرده اند (آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۳)؛ و حتی رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را معیار مسلمانی قلمداد کرده اند (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۱۶۳؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۵۵۹).

بی شک شکل گیری و فراگیری تعاون و همیاری در جامعه به عنوان یک امر پیش دستانه، مصونیت و امنیت آن را در برابر تهدیدها افزایش می دهد و رضایت اجتماعی را سبب می شود.

۳-۳-۲. وفای به عهد؛ تقویت پیوندهای اجتماعی

اساس و بنیاد نظام اجتماع بر تعهدات و پیوندها و وفای به عهد افراد جامعه ابتدا دارد. فقها به این قاعده اهمیت زیادی قائل شده‌اند و در ابواب مختلف به آن تمسک جسته‌اند. میثاق‌های اجتماعی و سیاسی مانند قانون اساسی و قوانین عام در هر جامعه نیز از جمله عقود و عهدهاست که اساس ارزشی و هنجاری یک جامعه را تشکیل می‌دهند؛ برای نمونه می‌توان به قانون اساسی مدینه پس از هجرت رسول خدا ﷺ اشاره کرد. فقها در استدلال بر این قاعده به آیات (بقره، ۴۰؛ آل عمران، ۷۶؛ اسراء، ۳۴؛ نحل، ۹۱) و روایات متعددی استناد کرده‌اند؛ از جمله: «یا ایها الذین آمنوا أوفوا بالعقود (مانده، ۱)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به قراردادهای خود وفا کنید». در روایتی نبوی، حضرت می‌فرماید: «المسلمون عند شروطهم إلا کل شرط خالف کتاب الله (نوری، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۴۷۳)؛ مسلمانان بر شرط (قرارداد)های خود پای‌بند هستند، جز شرطی که برخلاف کتاب الهی باشد».

۳-۳-۳. تقدم حق الناس بر حق الله (قاعده درء)

«قاعده درء» که از روایت «أدرأوا الحدود بالشبهات (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۸، ص ۳۳۶؛ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۷۴)؛ حدود الهی را با وقوع شک و تردیدها کنار بگذارید» اقتباس شده، مبین تقدم حق الناس در اقامه حدود و تعزیرات شرعی است؛ از این رو برای جلوگیری از حرمت‌شکنی از افراد متهم، قاعده درء در صیانت از حقوق متهم وضع شده است. البته فقها در شمول قاعده درء بر حدود اتفاق نظر دارند، اما درباره شمول آن بر تعزیرات شرعی و قصاص، میان فقها اختلاف نظر است (شریعی، ۱۳۸۷، ص ۳۳۷). براساس قاعده درء، اصل بر بی‌گناهی افراد است و عارض شدن شبهه‌ای در مفهوم یا مصداق جرم، بنابر اصل حرمت دماء، اموال و فروج بوده و اعمال مجازات منتفی و ممنوع است (شریعی، ۱۳۸۷، ص ۳۳۹؛ موسوی بجنوردی و کبیر تکمیلی‌نژاد، ۱۳۹۰، ص ۱۲).

این نگاه به جرم و جرایم در جامعه و صیانت از کرامت انسان، فضای آرام و اطمینان‌بخشی را ایجاد می‌کند که همان امنیت ایجابی در اجتماع است.

نتیجه‌گیری

فقه به عنوان دانشی راهبردی، با ارائه قوانین و احکام ناظر بر روابط فردی و اجتماعی در مقام ایجاد جامعه‌ای مؤمنانه است. این جامعه بر ارزش‌ها و فرهنگ دینی مبتنا دارد و دانش فقه، با استنباط عوامل تهدیدکننده این ارزش‌ها و نیز سازوکارها و ابزارهای مقابله و پیشگیری از تهدیدها، در صدد حفظ جامعه و امنیت اجتماعی می‌باشد.

مفهوم امنیت اجتماعی با دو سطح تحلیل متفاوت مطرح شده است: نخست، امنیت اجتماعی را به مثابه بُعدی از امنیت ملی، و امنیت اجتماعی به مثابه بُعدی از امنیت انسانی، که در این مقاله، سطح تحلیل نخست مدنظر قرار گرفته است. در امنیت اجتماعی در راستای امنیت ملی، مرجع امنیت، دولت است. از این منظر امنیت اجتماعی ناظر بر تهدید هویتی جوامع در دولت‌های ملی است؛ به عبارت دیگر، امنیت اجتماعی بر صیانت از ارزش‌های سنتی، فرهنگ و هویت مذهبی تأکید دارد.

مقاله حاضر با عنایت به مسئله امنیت اجتماعی به عنوان بُعدی از امنیت دولت اسلامی و رسالت دانش فقه، به استخراج و تبیین گزاره‌های فقهی ناظر بر امنیت اجتماعی، منابع و عوامل تهدید آن، و راه‌ها و سازوکارهای مقابله با آن پرداخته است. در این راستا مقاله براساس سه سطح «امنیت چه چیزی»، در برابر چی، و با چه ابزار و سازوکاری» سامان یافته است. در پاسخ به سوال نخست (امنیت چه چیزی)، تبیینی اجمالی از امنیت جامعه ارائه شده است. قسمت دوم مقاله در پاسخ به سؤال دوم (در برابر چی)، عوامل تهدیدکننده امنیت اجتماعی، مانند ظلم، محاربه، تبعیض و حکومت جائر، از ابواب مختلف فقه استخراج و بررسی شده است. قسمت سوم در مقام پاسخ به سوال «با چه ابزار و سازوکاری»، گزاره‌های فقهی ناظر بر راه‌ها و سازوکارهای مقابله و پیشگیری از تهدیدها و ایجاد رضایتمندی، استخراج، بررسی و تبیین شده است، نظیر حدود و تعزیرات، امر به معروف، حجاب، تعاون، نهادهای قضا و حسبه و خانواده و حکومت.

همان طور که اشاره شد، رسالت علم فقه ایجاد یک جامعه مؤمنانه است؛ از این رو در ابواب مختلف تلاش شده که انسان در جامعه، در مسیر تقرّب به خدا حرکت کند و اساساً انسان مقرب در امنیت کامل است. در این راستا هر عاملی که مسیر حرکت

مؤمنانه را تخریب نماید یا جامعه را به سوی غیر از خدا سوق دهد، به عنوان یک تهدید محسوب می‌شود که ضرورت دارد با بهره‌گیری از مهارکننده‌های دنیوی و اخروی، با آن مقابله شود یا اساساً زمینه تحقق تهدید را از بین برود. در این مقاله ضمن احصاء کبائر و فسق و فجور و اسباب و عواقب آنها، گزاره‌های فقهی ناظر بر تهدیدهای امنیت اجتماعی و نیز راه‌های مقابله با آن بیان و تبیین شده است؛ چراکه جامعه مؤمنانه در پس تطهیر جامعه از فسق و فجور محقق می‌شود.

آنچه پژوهش حاضر را متمایز می‌کند، آشکارسازی توانمندی دانش فقه در تبیین منابع مخاطره امنیت اجتماعی و سازوکارهای صیانت از آن در چارچوب جامعه مؤمنانه مدنظر فقه است. به عبارت دیگر، با عنایت به نقش آفرینی تاریخی فقه در جامعه مسلمانان و ترسیم حدود و ثغور فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آن، تبیین امنیت اجتماعی در قالبی بومی و دینی را امکان‌پذیر می‌سازد و می‌تواند زمینه ارائه الگویی دینی برای امنیت جامعه را فراهم کند.

فهرست منابع

- * قرآن کریم
- * نهج البلاغه
۱. آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۴۱۰ق). غررالحکم (ج ۲، مصحح: سیدمهدی رجائی). قم: دارالکتاب الاسلامی.
 ۲. ابن ادریس حلی، محمد بن احمد. (۱۴۱۰ق). السرائر (ج ۲). قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
 ۳. ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب (ج ۳). بیروت: دارالفکر و دارصادر.
 ۴. امام خمینی، سید روح الله. (۱۴۲۱ق). کتاب البیع. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
 ۵. امام خمینی، سید روح الله. (۱۴۲۵ق). ترجمه تحریر الوسیلة (مترجم: علی اسلامی، ج ۱ و ۲). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
 ۶. انصاری، مرتضی. (۱۴۱۵ق). کتاب المکاسب (ج ۱). قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
 ۷. بحر العلوم، محمد بن محمد تقی. (۱۴۰۳ق). بلغة الفقیه (ج ۳). تهران: منشورات مکتبه الصادق علیه السلام.
 ۸. بشیری، حسین. (۱۳۸۱). جامعه شناسی سیاسی. تهران: نشر نی.
 ۹. بوزان، باری. (۱۳۷۸). مردم دولتها و هراس (مترجم: پژوهشکده مطالعات راهبردی). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
 ۱۰. بوزان، باری؛ ویور، الی؛ دووولد، پاپ. (۱۳۸۶). چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت (مترجم: علیرضا طیب). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
 ۱۱. جوادی آملی، عبدالله. (۱۴۰۴ق). خمس رسائل. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
 ۱۲. حرّ عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعة (ج ۱۱، ۱۶، ۱۷ و ۱۸، چاپ اول). قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

۱۳. الحریری، شافع ذبیان. (۱۴۲۲ق). حدیث القرآن عن مفهوم الفسق و صورہ. مجلہ الشریعہ و الدراسات الاسلامیہ، ش ۴۲، صص ۲۱-۶۲.
۱۴. حسینی حائری، سید کاظم. (۱۴۲۰ق). القضاء فی فقہ الاسلامی. قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۱۵. حسینی تهرانی، سید محمد حسین. (۱۴۱۸ق). ولایة الفقیہ فی حکومت الإسلام (ج ۴). بیروت: دار الحجۃ البیضاء.
۱۶. خلخالی، سید محمد مهدی. (۱۴۲۲ق). حاکمیت در اسلام یا ولایت فقیہ (مترجم: جعفر الہادی). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۷. دلشاد تهرانی، مصطفی. (۱۳۸۸). سیرہ نبوی، دفتر دوم: سیرہ اجتماعی. تهرآن: انتشارات دریا.
۱۸. رومینا، ابراهیم؛ حسینی، نوشین السادات. (۱۳۹۱). نظم و امنیت اجتماعی. پژوهشنامہ امنیت اجتماعی، دفتر نخست: مبانی و مسائل امنیت اجتماعی؛ رویکردی ایرانی (ویراستار علمی: اصغر افتخاری). تهرآن: پژوهشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۹. سبزواری، سید عبدالاعلی. (۱۴۰۹ق). مواہب الرحمن (ج ۱۰). بیروت: موسسہ اهل بیت (ع).
 ۲۰. سعدی، ابو حیب. (۱۴۰۸ق). القاموس الفقہی لغة و اصطلاحاً. دمشق: دار الفکر.
۲۱. سید رضی. (۱۳۶۹). نہج البلاغہ (مترجم: محمد دشتی). قم: نشر امام علی (ع).
 ۲۲. سیوری حلّی، مقداد بن عبد اللہ. (بی تا). کنز العرفان فی فقہ القرآن (ج ۱، مترجم: عبدالرحیم عقیقی بخشایشی). قم: پاساژ قدس.
۲۳. سید بن طاووس. (۱۴۱۵ق). الإقبال بالأعمال الحسنة. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۴. شریعتی، روح اللہ. (۱۳۸۷). قواعد فقہ سیاسی (چاپ اول). قم: پژوهشگاہ علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۵. شریف مرتضی، علی بن حسین. (۱۴۰۵ق). رسائل الشریف المرتضی (ج ۲). قم: دار القرآن الکریم.
۲۶. شعرانی، ابوالحسن. (۱۴۱۹ق). ترجمہ و شرح تبصرة المتعلمین (ج ۱). تهرآن: منشورات اسلامیہ.
۲۷. شہید اول، محمد بن مکی عاملی. (۱۴۱۷ق). الدروس الشرعیہ (ج ۲). قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۲۸. شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی. (۱۴۱۲ق). الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية (ج ۱، مصحح: سلطان العلماء). قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۹. شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی. (۱۴۱۳ق). مسالك الأفهام (ج ۱۴). قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.
۳۰. شهید اول، محمد بن مکی. (بی تا). القواعد و الفوائد (ج ۱، چاپ اول). قم: کتابفروشی مفید.
۳۱. شیخ بهائی، محمد بن حسین. (۱۴۲۹ق). جامع عباسی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۲. شیهان، مایکل. (۱۳۸۸). امنیت بین الملل (مترجم: سید جلال دهقانی فیروزآبادی). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳۳. صدوق، محمد بن علی بن بابویه. (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه (ج ۳ و ۴). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۴. صرامی، سیف الله. (۱۳۷۷). حسبه نهاد حکومتی. قم: بوستان کتاب قم.
۳۵. طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۹۴ق). المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۵). بیروت: دارالاعلمی.
۳۶. طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۷ق). المبسوط فی فقه الإمامیة (ج ۴). تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
۳۷. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ق). تهذیب الأحکام (ج ۶). تهران: دار الکتب الإسلامية.
۳۸. عبدالرحمان، محمود. (۱۴۱۹ق). معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهية (ج ۳). قاهره: دارالفضيلة.
۳۹. علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۴ق). تذکرة الفقهاء (ج ۲). قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۴۰. فاضلیان، پوران دخت. (۱۳۸۹). بررسی رابطه نوع حجاب و میزان امنیت اجتماعی در بین زنان شهر تهران. پژوهش نامه زنان، ۱(۲)، صص ۶۵-۸۶.
۴۱. فخرالمحققین حلی، محمد بن حسن. (۱۳۸۷ق). ایضاح الفوائد (ج ۳). قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۴۲. فیض کاشانی، محمد محسن. (۱۴۰۶ق). الوافی (ج ۱۵). اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام.
۴۳. کلانتری، علی اکبر. (۱۳۸۷). فقه و پوشش. قم: بوستان کتاب قم.

۴۴. کاشف الغطاء، علی بن محمد رضا. (۱۴۱۱ق). باب مدينة العلم. نجف: موسسه کاشف الغطاء.
۴۵. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۲۹ق). الکافی (ج ۲، ۴ و ۹). قم: دار الحدیث للطباعة و النشر.
۴۶. لک زایی، نجف. (۱۳۹۰). فقه و امنیت. مجله فقه، ش ۷۰، صص ۴۵-۸۶.
۴۷. مازندرانی، محمد صالح بناحمد. (۱۳۸۲ق). شرح الکافی (ج ۹). تهران: المكتبة الإسلامية.
۴۸. ماندل، رابرت. (۱۳۷۷). چهره متغیر امنیت ملی (مترجم: پژوهشکده مطالعات راهبردی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۴۹. مجلسی، محمد باقر. (۱۴۱۰ق). بحار الأنوار (ج ۷۳). بیروت: مؤسسة الطبع و النشر.
۵۰. محقق حلی، جعفر بن حسن. (۱۴۰۸ق). شرائع الإسلام (ج ۲ و ۴). قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۵۱. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۳). فقه و حقوق (مجموعه آثار) (ج ۲۱). تهران: صدرا.
۵۲. مغنیه، محمد جواد. (۱۴۲۱ق). فقه الامام الصادق علیه السلام (ج ۶). قم: موسسه انصاریان.
۵۳. منتظری، حسینعلی. (۱۴۰۹ق). دراسات فی ولاية الفقیه و فقه الدولة الإسلامية (ج ۳). قم: نشر تفکر.
۵۴. منتظری، حسینعلی. (۱۳۶۹). مبانی فقهی حکومت اسلامی (ج ۲، مترجمان: محمود صلواتی). قم: نشر تفکر.
۵۵. منتظری، حسینعلی. (۱۴۱۷ق). نظام الحكم فی الإسلام (چاپ دوم، یک جلدی) قم: نشر سراپی.
۵۶. موسوی اردبیلی، سید عبد الکریم. (۱۴۲۳ق). فقه القضاء (ج ۱). قم: مؤسسه النشر لجامعه المفید.
۵۷. موسوی اردبیلی، سید عبد الکریم. (۱۴۲۷ق). فقه الحدود و التعزیرات (ج ۱). قم: مؤسسه النشر لجامعه المفید.
۵۸. موسوی بجنوردی، سید محمد؛ کبیر تکمیلی نژاد، عاطفه. (۱۳۹۰). جایگاه عدالت و اخلاق در فقه و حقوق اسلامی با رویکردی بر آرای امام خمینی، مجله پژوهشنامه متین، ش ۵۱، صص ۱-۱۸.
۵۹. نائینی، محمد حسین. (۱۳۹۳). تنبیه الامه و تنزیه المله (محقق: سید جواد ورعی). قم: بوستان کتاب قم.
۶۰. نجفی، محمد حسن. (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام (ج ۲، ۲۱، ۲۹ و ۴۱). بیروت: دار إحياء التراث العربی.

۶۱. نراقی، ملااحمد. (۱۴۱۷ق). عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحكام. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۶۲. نصری، قدیر. (۱۳۹۱). امنیت جامعه؛ معنا، محدوده و مؤلفه‌ها. پژوهشنامه امنیت جامعه، دفتر نخست: مبانی و مسائل امنیت اجتماعی؛ رویکردی ایرانی (ویراستار علمی: اصغر افتخاری). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۶۳. نصری، قدیر. (۱۳۸۰). معنا و ارکان جامعه‌شناسی امنیت. فصلنامه راهبرد، (۲۶)، صص ۱۱۲-۱۳۳.
۶۴. نوری، میرزا حسین. (۱۳۶۸). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل (ج ۲). قم: موسسه آل البيت لإحياء التراث.
۶۵. نویدنیا، منیژه. (۱۳۸۲). درآمدی بر امنیت اجتماعی. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۶(۱۹)، صص ۵۵-۷۶.



References

- * The Holy Quran
- * Nahj al-Balagha
- 1. Abdorahman, M. (1419 AH). *Mujam al-Mustalahat va al-Alfaz al-Fiqhiyah* (Vol. 3). Cairo: Dar al-Fazilah. [In Arabic]
- 2. Allameh Helli, H. (1414 AH). *Tadkirah al-Fuqaha* (Vol. 2). Qom: Alubayt Institute. [In Arabic]
- 3. Amadi, A. (1410 AH). *Qorar al-Hikam* (Vol. 2, Rajaei, S. M, Ed.). Qom: Dar al-Kitab al-Islami. [In Arabic]
- 4. Ansari, M. (1415 AH). *Kitab al-Makasib* (Vol. 1). Qom: World Congress honoring Sheikh Azam Ansari. [In Arabic]
- 5. Bahrul Uloom, M. (1403 AH). *Balagha al-Faqih* (Vol. 3). Tehran: Al-Sadegh Library Publications. [In Arabic]
- 6. Bashiriyeh, H. (1381 AP). *Political Sociology*. Tehran: Ney Publications. [In Persian]
- 7. Buzan, B. (1378 AP). *People of Governments and Fear* (Research Institute for Strategic Studies, Trans.). Tehran: Research Institute for Strategic Studies. [In Persian]
- 8. Buzan, B., & Weaver, E., & DeWilde, P. (1386 AP). *A new framework for security analysis* (Tayeb, A. R. Trans.). Tehran: Research Institute for Strategic Studies. [In Persian]
- 9. Delshad Tehrani, M. (1388 AP). *Prophetic lifestyle, second chapter: social lifestyle*. Tehran: Darya Publications. [In Persian]
- 10. Fakh al-Muhaqqeen Heli, M. (1387 AH). *Izah al-Fawa'id* (Vol. 3). Qom: Esmailian Institute. [In Arabic]
- 11. Fazelian, P. (1389 AP). An Examination of the relationship between the type of hijab and the level of social security among women in Tehran. *Research Journal of Women*, 1(2), pp. 65-86. [In Persian]
- 12. Feiz Kashani, M. M. (1406 AH). *Al-Wafi* (Vol. 15). Isfahan: Library of Imam Amirul Mominin Ali. [In Arabic]

13. Hariri, S. (1422 AH). Hadith Al-Qur'an an Mafhoum al-Fisq va Sourah. *Majalah al-Shari'ah va al-Dirasat al-Islamiyah*, 42, pp. 21-62. [In Arabic]
14. Hosseini Haeri, S. K. (1420 AH). *Al-Qaza' fi Fiqh al-Islami*. Qom: Majma' al-Fikr al-Islami. [In Arabic]
15. Hosseini Tehrani, S. M. H. (1418 AH). *Wilayat al-Faqih in the government of Islam* (Vol. 4). Beirut: Dar al-Hujja al-Bayda. [In Arabic]
16. Hur Ameli, M. (1409 AH). *Al-Wasa'il al-Shia* (Vol. 11, 16, 17 & 18, 1st ed.). Qom: Alul-Bait Institute. [In Arabic]
17. Ibn Idris Heli, M. (1410 AH). *Al-Sara'ir* (Vol. 2). Qom: Al-Nashr al-Islami Institute. [In Arabic]
18. Ibn Manzoor, J. (1414 AH). *Lisan al-Arab* (Vol. 3). Beirut: Dar al-Fikr va Dar Sader. [In Arabic]
19. Imam Khomeini, S. R. (1421 AH). *Kitab al-Bai*. Tehran: The institute for Publications and Preparation of Imam Khomeini's Works. [In Arabic]
20. Imam Khomeini, S. R. (1425 AH). *Translation of Tahrir al-Wasila* (Eslami, Trans., Vol. 1 & 2). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
21. Javadi Amoli, A. (1404 AH). *Khums Rasa'l*. Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
22. Kalantari, A. A. (1387 AP). *Jurisprudence and cover*. Qom: Qom Bustan Kitab. [In Persian]
23. Kashif al-Ghita, A. (1411 AH). *Bab al-Madinah Al-Ilm*. Najaf: Kashif Al-Ghita Institute. [In Arabic]
24. Khalkhali, S. M. M. (1422 AH). *Sovereignty in Islam or Wilayat al-Faqih* (Al-Hadi, J, Trans.). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
25. Koleyni, M. (1429 AH). *Al-Kafi* (Vol. 2, 4 & 9). Qom: Dar al-Hadith le al-Taba'ah va al-Nashr. [In Arabic]
26. Lakzaei, N. (1390 AP). Islamic Jurisprudence and security. *Journal of Fiqh*, 70, pp. 45-86. [In Persian]
27. Majlesi, M. B. (1410 AH). *Bihar al-Anwar* (Vol. 73). Beirut: Al-Tab'a va Al-Nashar Institute. [In Arabic]

28. Mandel, R. (1377 AP). *The changing face of national security* (Research Institute of Strategic Studies, Trans.). Tehran: Research Institute of Strategic Studies. [In Persian]
29. Mazandarani, M. (1382 AH). *Sharh al-Kafi* (Vol. 9). Tehran: Al-Maktabah Al-Islamiya. [In Arabic]
30. Mohaghegh Heli, J. (1408 AH). *Shara'e al-Islam* (Vol.2 & 4). Qom: Esmailian Institute. [In Arabic]
31. Montazeri, H. A. (1369 AP). *Jurisprudential foundations of Islamic government* (Vol. 2, Salavati, M. Trans.). Qom: Tafakor Publications. [In Persian]
32. Montazeri, H. A. (1409 AH). *Studies in Wilayat Al-Faqih and Jurisprudence of the Islamic State* (Vol. 3). Qom: Tafakor Publications. [In Arabic]
33. Montazeri, H. A. (1417 AH). *Nizam al-Hukm fi al-Islam* (2nd ed., 1 vol.) Qom: Saraei Publications. [In Arabic]
34. Motahari, M. (1383 AP). *Jurisprudence and law (collection of works)* (Vol. 21). Tehran: Sadra. [In Persian]
35. Mousavi Ardebili, S. A. (1423 AH). *Fiqh al-Qaza*. (Vol. 1). Qom: Mu'asisah al-Nashr le Jama'a al-Mufid. [In Arabic]
36. Mousavi Ardebili, S. A. (1427 AH). *Fiqh al-Hudud va al-Ta'azirat* (Vol. 1). Qom: Muasisah al-Nashr le Jame'a al-Mufid. [In Arabic]
37. Mousavi Bojnourdi, S. M., & Kabir Takmili Nejad, A. (1390 AP). The position of justice and ethics in Islamic jurisprudence and law with an approach to the views of Imam Khomeini, *Matin Research Journal*, 51, pp. 1-18. [In Persian]
38. Mughniyeh, M. J. (1421 AH). *Fiqh al-Imam al-Sadiq* (Vol. 6). Qom: Ansarian Institute. [In Arabic]
39. Naeini, M. H. (1393 AP). *Tanbih al-Uma va Tanziyyah al-Millah*. (Warei, S. J, Ed.). Qom: Bustan Kitab. [In Persian]
40. Najafi, M. H. (1404 AH). *Jawahir al-Kalam fi Sharh Sharae al-Islam* (Vol. 2, 21, 29 & 41). Beirut: Dar Ihya al-Toras al-Arabi. [In Arabic]

41. Naraghi, M. (1417 AH). *Awa'id al-Ayam fi Bayan Qawa'id al-Ahkam*. Qom: Publications of the Islamic Propagation Office. [In Arabic]
42. Nasri, Q. (1380 AP). The meaning and pillars of the sociology of security. *Journal of Strategy*, (26), pp. 112-133. [In Persian]
43. Nasri, Q. (1391 AP). *Security of society; Meaning, scope and components*. *Journal of Society Security, first book: basics and issues of social security; An Iranian approach* (Eftekhari, A, Ed.). Tehran: Research Institute of Humanities and Cultural Studies. [In Persian]
44. Navidnia, M. (1382 AP). An introduction to social security. *Journal of Strategic Studies*, 6(19), pp. 55-76. [In Persian]
45. Nouri, M. H. (1368 AP). *Mostadrak al-Wasail va Mustanbat al-Masa'il* (Vol. 2). Qom: Alulbayt le Ihya al-Torath Institute. [In Persian]
46. Romina, I., & Hosseini, N. (1391 AP). *Social order and security. A study on Social Security, first book: Basics and issues of social security; An Iranian approach* (Eftekhari, A, Trans.). Tehran: Research Institute of Humanities and Cultural Studies. [In Persian]
47. Saadi, A. (1408 AH). *Al-Qamoos al-Fiqhi Lughva va Istilaha*. Damascus: Dar al-Fekr. [In Arabic]
48. Sabzevari, S. A. (1409 AH). *Mawahib al-Rahman* (Vol. 10). Beirut: Ahl al-Bayt Institute. [In Arabic]
49. Sadouq, M. (1413 AH). *Man la Yahzar Al-Faqih* (Vol. 3 & 4). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
50. Sarami, S. (1377 AP). *Hesbeh, A government Institute*. Qom: Bustan Kitab. [In Persian]
51. Seyvari Helli, M. (n.d.). *Kanz al-Irfan fi fiqh al-Qur'an* (Vol. 1, Bakshayeshi, A, Trans.). Qom: Quds Mall.
52. Seyyed bin Tavus. (1415 AH). *Al-Iqbal be al-A'amal al-Hasanah*. Qom: Publications of the Islamic Propagation Office. [In Arabic]
53. Seyyed Razi. (1369 AP). *Nahj al-Balagha* (Dashti, M. Trans.). Qom: Imam Ali Publications. [In Persian]

54. Sha'arani, A. (1419 AH). *Translation and explanation of Tabsirah al-Mute'alemin* (Vol. 1). Tehran: Islamic Publications. [In Arabic]
55. Shahid Awal, M. (1417 AH). *Al-Dorus al-Shar'iyah* (Vol. 2). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
56. Shahid Awal, M. (n.d.). *Al-Qawa'id va al-Fawa'id* (Vol. 1, 1st ed.). Qom: Mofid Bookstore.
57. Shahid Thani, Z. (1412 AH). *Al-Rawza al-Bahiya fi Sharh al-Lum'ah al-Dameshqiyyah* (Vol. 1, Soltan al-Ulama, Ed.). Qom: Publications of the Islamic Propagation Office. [In Arabic]
58. Shahid Thani, Z. (1413 AH). *Masalik al-Afham* (Vol. 14). Qom: Mu'asisah al-Ma'arif al-Islamiya. [In Arabic]
59. Shariati, R. (1387 AP). *Rules of political jurisprudence* (1st ed.). Qom: Islamic Science and Culture Academy. [In Persian]
60. Sharif Morteza, A. (1405 AH). *Rasa'il al-Sharif al-Mortaza* (Vol. 2). Qom: Dar al-Qur'an al-Karim. [In Arabic]
61. Sheehan, M. (1388 AP). *International security* (Dehghani Firouzabadi, S. J, Trans.). Tehran: Strategic Studies Research Institute. [In Persian]
62. Sheikh Baha'i, M. (1429 AH). *Jame Abbasi*. Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
63. Tabatabaei, S. M. H. (1394 AH). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an* (Vol. 5). Beirut: Dar al-Alami. [In Arabic]
64. Tusi, M. (1387 AH). *Al-Mabsut Fi Fiqh al-Imamiyah* (Vol. 4). Tehran: Al-Maktabah al-Murtazawiyah le Ihya al-Athar al-Jafariyah. [In Arabic]
65. Tusi, M. (1407 AH). *Tahzeeb al-Ahkam* (Vol. 6). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyeh. [In Arabic]